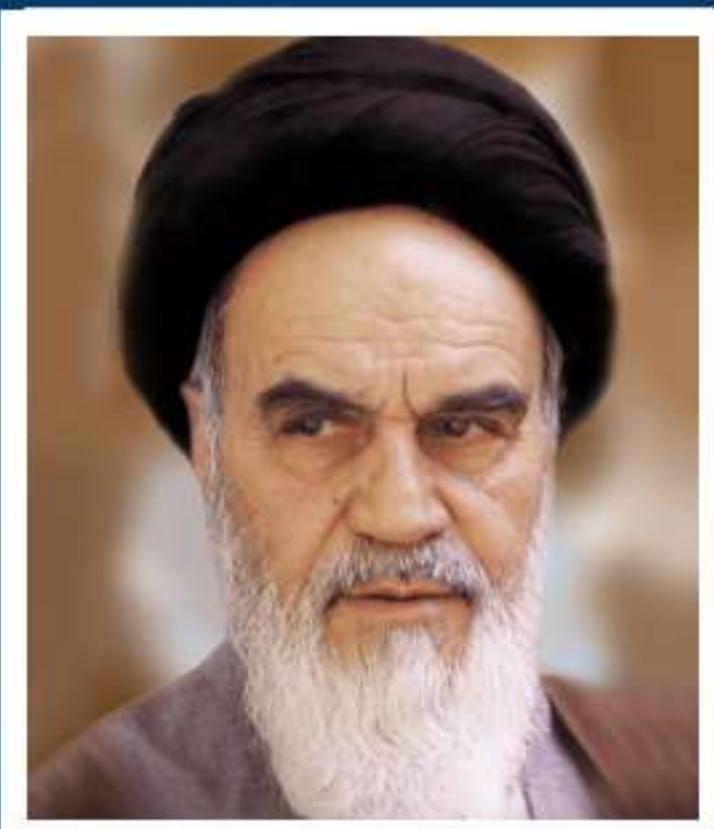




افشای چهره دشمنان

بخشی از سخنان امام خمینی (ره)
درباره برکات دفاع مقدس



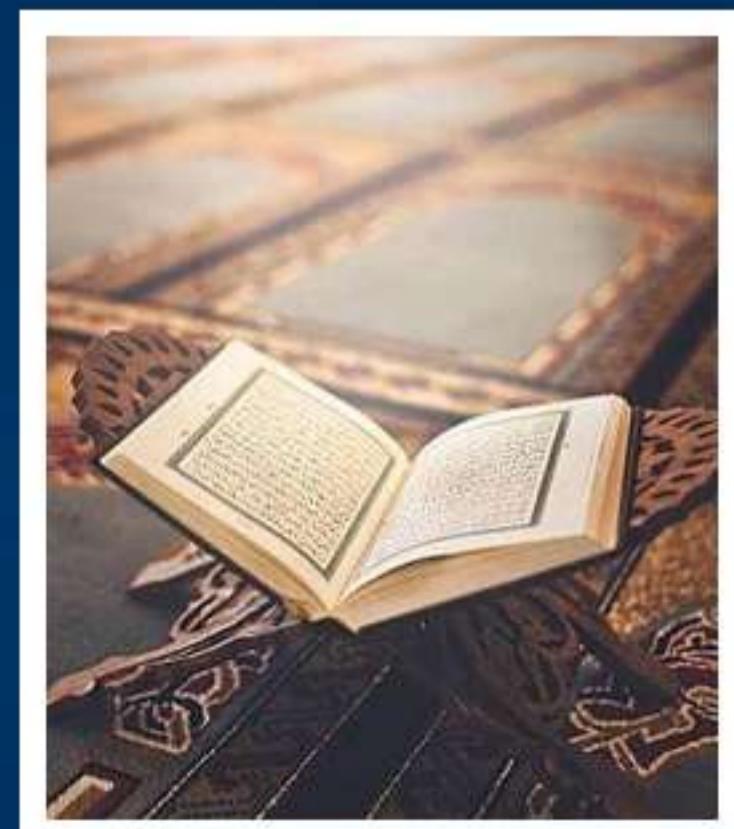
روایت و خاطرات

روایات و خاطرات روزمندگان
دوران دفاع مقدس



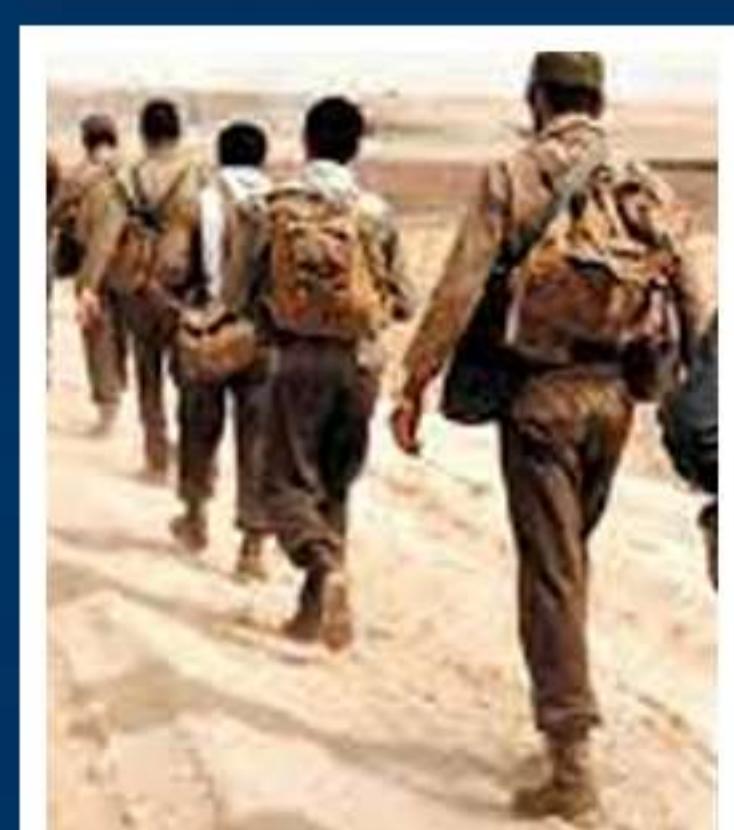
منور

تقسیم ارزشی جنگ در قرآن



لبخند بزن روزمنده

معرفی شهید امیر رستمی و بخشی از
وصیت نامه ایشان



منور

تقسیم ارزشی جنگ در قرآن
 قرآن کریم به طور کلی، جنگ هایی را که در طول تاریخ بشری به وقوع پیوسته یا خواهد پیوست، از نظر ارزشی به دو دسته بزرگ تقسیم می کند:
 ۱. جنگ های «حق»، که قرآن کریم با عنوان «جهاد فی سبیل الله» یا «قتال فی سبیل الله» از آنها نام می برد.
 ۲. جنگ های باطل، که در قرآن با عنوان «قتال فی سبیل الطاغوت» از آنها یاد می شود.

برای نمونه، در آیه شریفه سوره نساء به این دو نوع جنگ اشاره شده است:
 الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللهِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الْطَّاغُوتِ فَقَاتَلُوا أُولِياءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا؛ آنانَ كَه أَيمَانَ دَارَنَدَ در راه خدا پیکار می کنند و آنان که کفر می ورزند در راه طاغوت. پس با یاران شیطان بجنگید که محققاً کید شیطان سست و ضعیف است.

جنگ حق و مقدس آن است که در راه خدای متعال انجام می گیرد و جنگ باطل و محکوم آن است که در راه شیطان صورت می پذیرد. اساساً، چنان که در جای خود گفته ایم، پیش روی انسان دوراه بیشتر وجود ندارد: یکی راه عبادت و بندگی خداوند متعال و دیگری راه بندگی و اطاعت شیطان است. هر کاری، و از جمله جنگ، اگر در راه عبادت و اطاعت خدای متعال و کمال حقیقی انسان – که همان قرب به درگاه حق تعالی است – قرار نگیرد، کاری شیطانی خواهد بود.

سعادت

«پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)»:

**فَوْقُ كُلِّ ذِي بُرْبُرٍ حَتَّى يُقتلَ
الرَّجُلُ شَهِيدًا فِي سَبِيلِ اللهِ.**

هر عمل نیکی، عملی نیکوتر از خود دارد مگر شهادت در راه خدا که نیکوتر عملی از آن وجود ندارد. (حصال، ج ۱، ص ۸)

روحانی گردان

این هشت سال، مظہری از برترین صفاتی است که یک جامعه میتواند به آنها ببالد و از جوانان خودش انتظار داشته باشد. یعنی دفاع مقدس مظہر حماسه است، مظہر معنویت و دینداری است، مظہر آرمان خواهی است، مظہر ایثار و از خود گذشتگی است، مظہر ایستادگی و پایداری و مقاومت است، مظہر تدبیر و حکمت است.

۲۴/۰۶/۱۳۸۸





در تبیین تاریخ باید به مخاطب و نیازهایش توجه کنیم

نهضتی که با حرکت علمای نجف و ایران شروع شد و آن‌همه مجاهدت صورت گرفت، عده‌ای آن‌چنان جامعه را فریب دادند که یک فقیه عالم دانشمند به نام شیخ فضل‌الله نوری را دار زدند و عده‌ای فریب‌خورده هم کف زدند. چگونه آن نسل این را پذیرفت که شیخ فضل‌الله عالم، مجاهد و مجتهد برجسته پایتخت تجسم استبداد می‌شود؟ این‌ها در اثر عدم درک و فهم است.

در نهضت جنگل هم همین آسیب را دیدیم. در قضیه نهضت نفت نیز همین آسیب را دیدیم و فکر کردیم ما مدافعان اسلام و ایدئولوژی اسلامی هستیم، ولی جریان ناسیونالیسم با نگاه تفکیک دین از سیاست وارد شد تا جایی که دشمن را از اینجا بیرون کردیم. ممکن است اشتراکاتی با هم داشته باشیم، ولی پس از آن در دوره ایجابی اختلافات شروع می‌شوند. بر همین اساس بود که در انقلاب

**چرا رهبر انقلاب در این برده زمانی بر مسئله «جهاد تبیین» تأکید می‌کند؟
بخشی از این موضوع هم با تاریخ معاصر ارتباط پیدا دارد.**

ما اگر تاریخ را جاری بدانیم و قائل به استمرار آن باشیم، جریان اسلامی از تاریخ انبیاء و ائمه اطهار علیهم السلام و در طول پانزده قرن زندگی عالمان، صالحان، مجاهدان شهید و شهیدان مجاهد، عارفان، مفسران و ... آغاز می‌شود. جریان تاریخ به انسان هویت می‌دهد؛ در نتیجه، تاریخ شناسنامه انسان است و هویت او را مشخص می‌کند. در دوره حاضر هم همین است. اگر در مشروطه خطاهایی کردیم به دلیل عدم شناخت تاریخ بود. از گذشته عبرت نگرفتیم، نه دشمن را شناختیم و نه دوست را و نه مرزهای دوستی و دشمنی را.

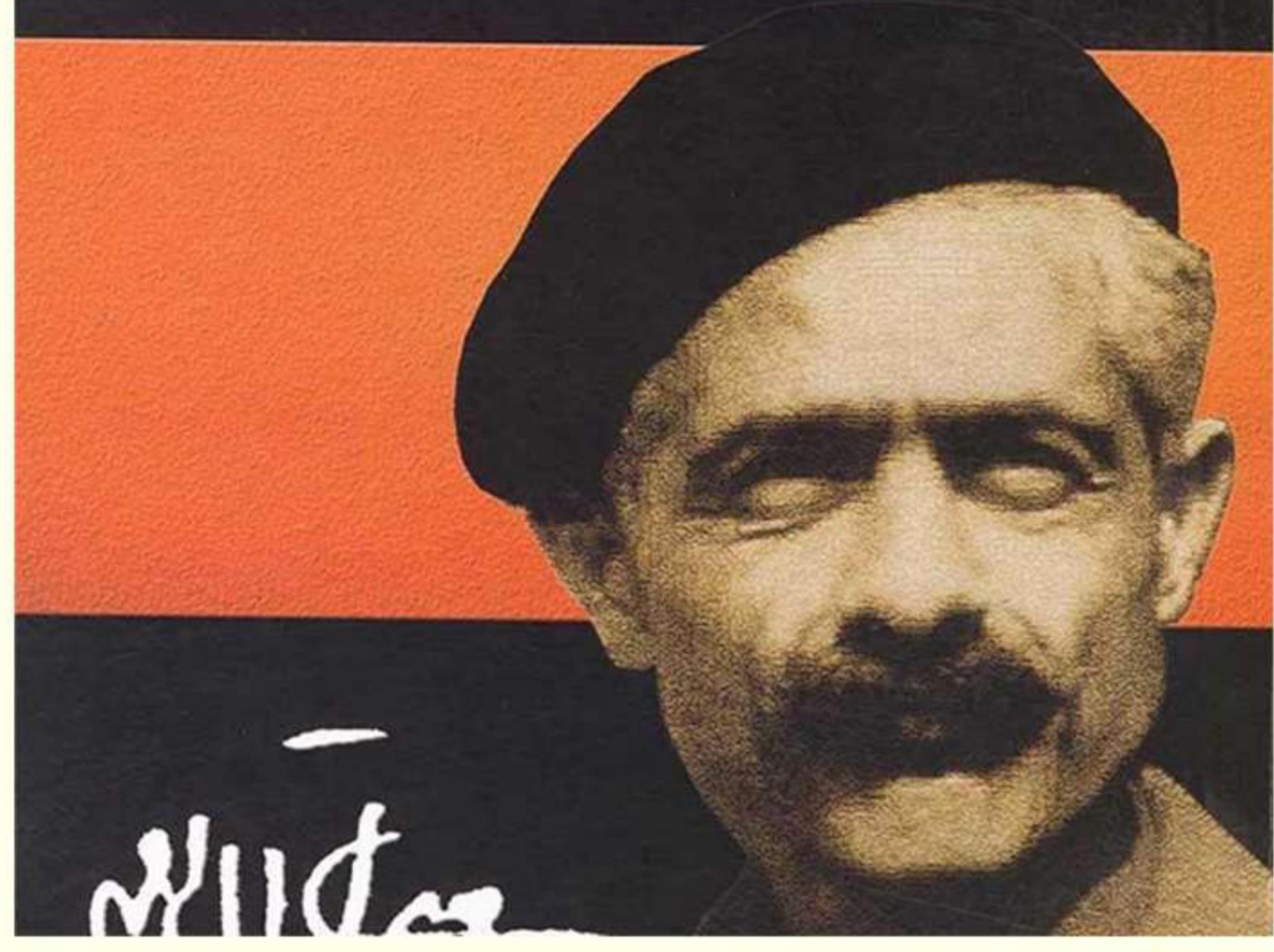
البته از این آیه معلوم نمی‌شود که جنگ با چه خصوصیاتی یا با چه کسانی، جنگ «فى سبیل الله» و با کدام ویژگی‌ها، جنگ شیطانی و فى سبیل الطاغوت خواهد بود؛ اما با توجه به آیات و روایات دیگر، این مسأله نیز روشن می‌شود. با مراجعه به سایر ادله،

جهاد فى سبیل الله جنگی است که در مسیر کمال انسان و جامعه باشد و انسان و جامعه را به خدا نزدیک کند. البته این سخن گرچه از جهت مفهومی روشن است، اما از جهت مصدق باز هم معلوم نمی‌کند که چه جنگی و با چه کسانی و در چه اوضاع و احوالی می‌تواند منشأ کمال فرد و جامعه باشد؟

در پاسخ به این پرسش، بعضی پنداشته اند که فقط جنگ با گروهی خاص - مثلًاً مشرکان، و یا حتی نه همه مشرکان، بلکه تنها جنگ با مشرکان مکه - مصدق جهاد «فى سبیل الله» است و دیگر جنگ‌ها مصدق آن نخواهد بود! بعضی دیگر گمان کرده اند که این جنگ، جهاد دفاعی و مخصوص زمانی است که دشمنی - اعم از مشرک یا غیرمشرک - بر مسلمان‌ها هجوم آورد و در غیر مورد دفاع، برای مسلمان جنگ جایز نیست. اما با بررسی آیات مربوط به جهاد معلوم می‌شود که جهاد «فى سبیل الله» نه اختصاص به جنگ با طایفه‌ای خاص دارد و نه منحصر در جنگ دفاعی است. توضیح این دو نکته را به دنبال خواهیم آورد؛ اما پیش از آن مناسب است در مورد خود مفهوم «فى سبیل الله» تأملی داشته باشیم.

غرب زدگی

جلال‌آل‌احمد



مغز گندم را می‌خورد و فقط پوستش می‌ماند. می‌گوید غرب‌زدگی سن‌زدگی است، مغز درون و شخصیت افراد را می‌گیرد، فقط هیکلی از طرف به جا می‌ماند. «دیدهای که گندم را چگونه می‌پوشاند؟ از درون می‌پوشاند و پوست سالم بر جا می‌ماند، اما فقط پوست است و این همان پوستی است که از پروانه بر درخت می‌ماند. به هر صورت یک بیماری است، عارضه از بیرون آمده است.» این کلمات هر کدام ناقل یک پیام هستند «در محیطی آماده (همان زمینی که مراکز شرق‌شناسی درست کرده‌اند و عواملش درون حکومت)، برای بیماری رشد کرده است، مشخصات در در را بجوید و علت یا علت‌هایش را و اگر دست داد راه علاجش را پیدا کنید.»

نکته دوم اینکه او می‌گوید: «اکنون ماییم و شبیه به قومی بیگانه به سنتی ناشناس، (از خودبیگانگی و الینه‌شدن، الیناسیون) فرهنگی که نه در آداب و هوا و زمین ما ریشه دارد و نه به طریق اولی شاخ و برگی می‌کند، در زندگی روزانه، در سیاست و در فرهنگ بین علت همه چیزمان ابتر است»؛ یعنی اصلاً زایش نداریم و همه‌چیز من در همان جاست. واقعاً ما کیست.

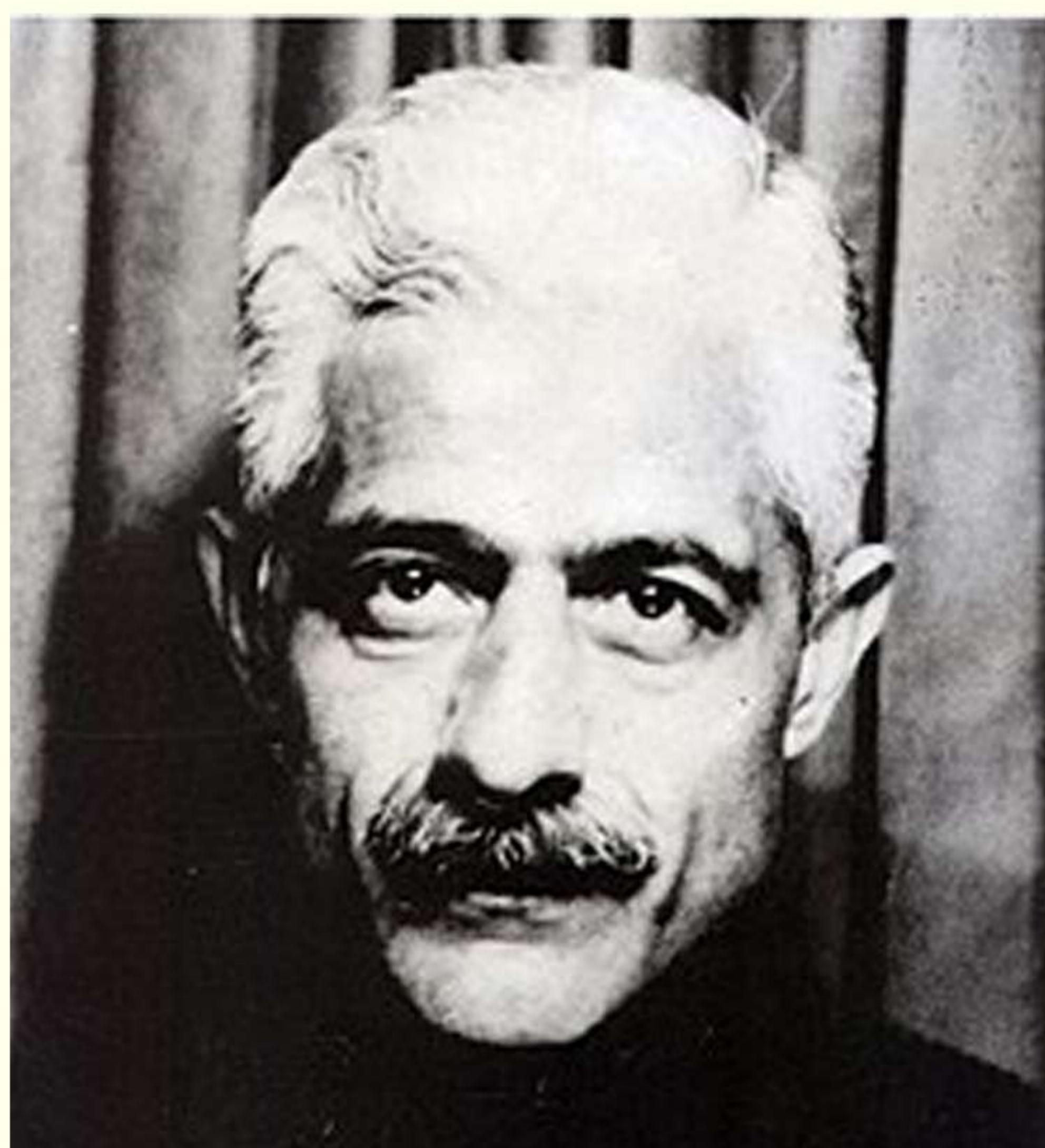
دوران شوروی مراکز شرق‌شناسی داشتند، ولی موفق نبودند. انگلستان در آن زمان با شناسایی قوت‌ها و ضعف‌های ما به دنبال تغییر هویت اسلامی و تغییر تاریخ ما بود.

در ادامه، جریان به اصطلاح روشن‌فکری را به وجود آوردند. جریان روشن‌فکری در ایران از درون فرهنگ و تمدن ایران به وجود نیامده است. روشن‌فکری چیز خوبی است و ما به آن نیاز داریم و اگر این تحول نباشد، جامعه به انجام، تحجر و قشری گری می‌رسد؛ اما به تعبیر رهبر انقلاب، روشن‌فکری در ایران بیمار زاده شد، زیرا این جریان از درون فرهنگ و تمدن ما بیرون نیامد. اگر این جریان از درون جامعه ما به وجود می‌آمد، می‌شد علامه طباطبایی، علامه جعفری، شهید مطهری، شهید بهشتی؛ این‌ها روشن‌فکران اسلامی مانند است.

اسلامی، امام رحمة الله عليه تنها آمد؛ منظورم از تنها، دوری از ایدئولوژی‌های چپ و راست است. در اول هم مطرح کرد که ما برای اسلام آمدیم و مقصد ما اسلام است. این تاریخ سازنده است.

تاریخ نشان داد که هر جا ما بر اساس اسلام و دین حرکت کردیم، پیروز شدیم؛ اما در اینجا با سه معضل مواجه هستیم: یکی عدم آگاهی و فهم و بینش تاریخی، دیگری اختلاف که معضلی بر سر راه جامعه ما بوده و هست. مرحوم سید جمال الدین اسدآبادی تعبیری دارد که می‌گوید گویا مردم مشرق‌زمین با هم اتحاد کردن که متحد نباشند همان‌گونه که امام رحمة الله عليه بر عکس آن را می‌فرمایند که رمز موفقیت در وحدت کلمه است. وحدت کلمه‌ای که امام مطرح می‌کند در اجتماع اختلاف از ابلیس انانیت و منیت است. بعدهم، دشمن‌شناسی و بصیرت است؛ لذا، در تاریخ معاصر، معضل ما این است که تاریخ ما را قبل از نوشته‌اند؛ چراکه مراکز شرق‌شناسی، ایران‌شناسی، عرب‌شناسی و ترک‌شناسی جهان اسلام را در بر گرفتند. این مراکز در غرب با اهداف استعماری تأسیس شدند.

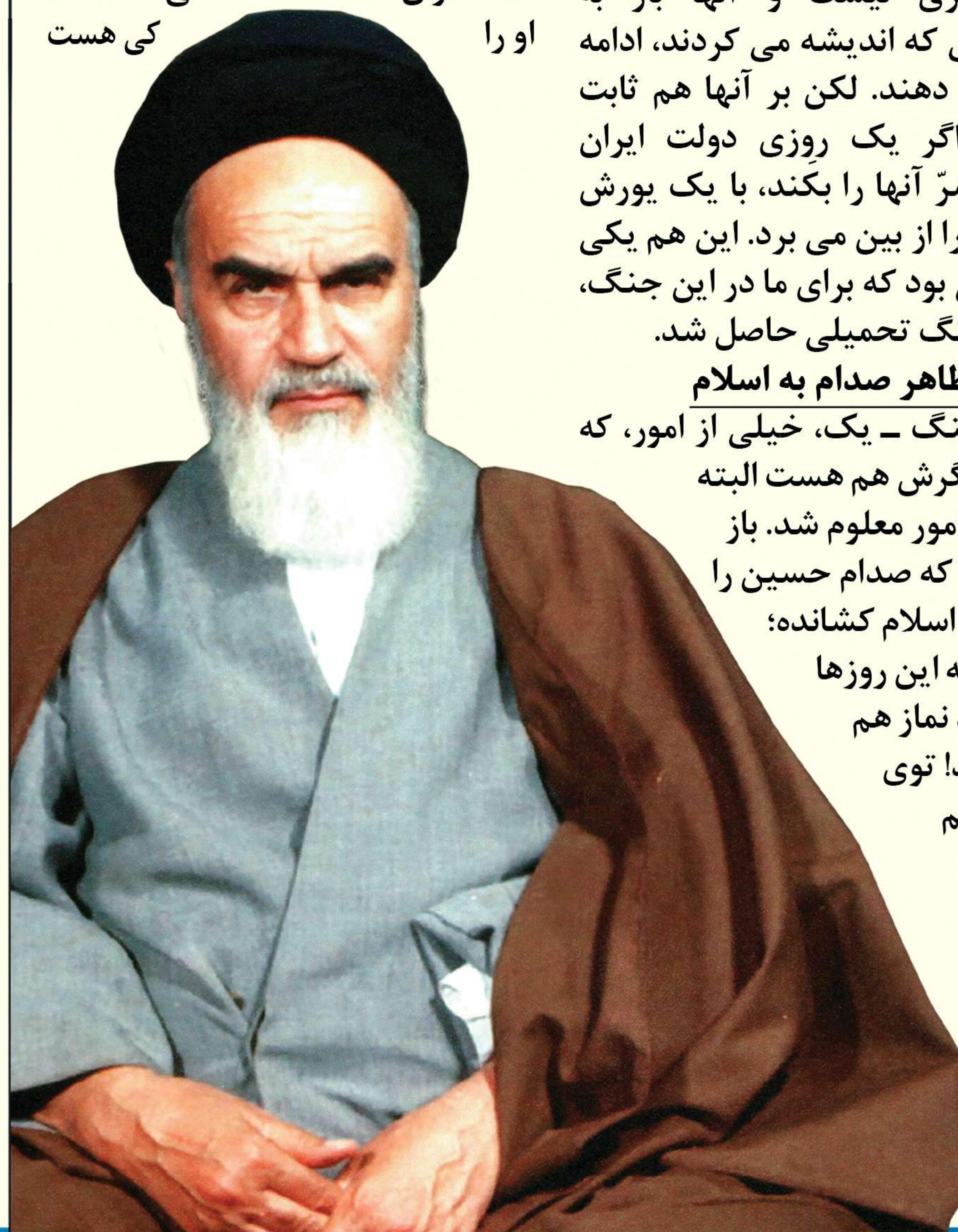
اولین بار انگلستان در زمان صفویه تشکیلات شرق‌شناسی را در امور خارجه تأسیس کرد که این حرکت به خاطر مسائل علمی و دانشگاهی نبود، بلکه مدت‌ها آموزه‌های این مرکز در امور خارجه بود. بعدها فرانسویان نیز همین مراکز شرق‌شناسی را دایر کرده و در همان مراکز شرق‌شناسی به سبک انگلیس عمل کردند. حالا برخی از این‌ها به کشورهای آفریقایی رفتند و برخی هم به ایران و کشورهای اسلامی آمدند؛ حتی روس‌ها در دوران تزار و چه در



مرحوم جلال آل‌احمد بهترین و زیباترین تعبیر را در مورد روشن‌فکری ایران دارد و در کتاب «غرب‌زدگی» می‌گوید: «غرب‌زدگی همچون و بازدگی است. اگر به مذاق خوشایند نیست، وادادگی یا سرمایزدگی یا گرمایزدگی، اما دستکم چیزی در حدود سن زدگی.» سن وقتی وارد گندم می‌شود،

برکات دفاع مقدس از زبان امام خمینی (ره)

این همان کارهایی بود که محمدرضا می‌کرد، عیناً همان. اینها از یک آخر ارتزاق می‌کنند. آن هم یکوقتی که پیش می‌آمد، بدترین فحشها را به علمای اسلام می‌داد و به اسلام هیچ کار نداشت، ضربه می‌زد. یکوقت که ضعیف و بیچاره می‌شد، می‌رفت نماز می‌خواند و در حرم حضرت رضا می‌رفت و نماز می‌خواند و از این بساط درمی‌آورد. حالا ایشان هم که همه ملت عراق می‌شناسند او را کی هست



افشای چهره دشمنان

افشای چهره منافقین

این اشخاصی که ادعا می‌کنند و ادعا می‌کردند که ما طرفدار مظلومین هستیم، طرفدار خلق هستیم، فدایی خلق هستیم، مجاهده برای مردم می‌کنیم، ثابت شد به اینکه همه این حرفها، صحبت‌های خلاف واقع بوده است و الان که کشور ایران با حزب بعث منحط در جنگ هستند، الان از آنها هیچ خبری نیست و آنها باز به فسادهایی که اندیشه می‌کردند، ادامه دارند می‌دهند. لکن بر آنها هم ثابت شد که اگر یک روزی دولت ایران بخواهد شر آنها را بکند، با یک یورش همه آنها را از بین می‌برد. این هم یکی از خیراتی بود که برای ما در این جنگ، در این جنگ تحمیلی حاصل شد.

افشای تظاهر صدام به اسلام

در این جنگ - یک، خیلی از امور، که بعضی دیگرش هم هست البته خیلی از امور معلوم شد. باز خوب شد که صدام حسین را به ظواهر اسلام کشانده؛ برای اینکه این روزها می‌گویند نماز هم می‌خواند! توی مسجد هم می‌رود!

موعد

ما را در آورده از پا، این درد چشم
انتظاری
تا کی جدایی و دوری؟ تا کی دل و
بی قراری؟

این خانه‌ها بی حضورت، زندان زجر
وشکنجه‌ست
شوکی به خواندن ندارد، در این
قفس‌ها، قناری

ای عید جمعه، ز هجرت، روز عزای
عمومی
ای چشم‌ها در فراق، از اشک،
چون رود جاری

نه کوفی بی‌وفاییم، نه اهل مکر و
ریائیم
ما بنده تحت امریم، تو صاحب
الاختیاری

مالک نبودیم اگر نیست شور علی
در سر ما
میثم نبودیم اگر نیست تقدیرمان
سربداری

هر کس گدایت نباشد، فقر و فلاکت
سزاش است
در چشم ما گنج قارون، بی توت
عین نداری

از قول کعبه اجازه ست از تو بپرسم
سوالی
کی دست پر مهر خود را بر شانه‌ام
می‌گذاری؟



علمدار

همسفر تابهشت مفهوم خوشبختی

خوشبختی عبارتست از آرامش، احساس سعادت و احساس امنیت. جشن و اسراف و زیاده‌روی، کسی را خوشبخت نمی‌کند. مهریه و جهیزیه هم کسی را خوشبخت نمی‌کند. پای بندی به روش شرع است که انسان را خوشبخت و سعادتمد می‌کند.

همدیگر را بهشتی کنید!

ازدواج و اختیار همسر، گاهی در سرنوشت انسان مؤثر است. خیلی از زنها هستند که شوهرانشان را بهشتی می‌کنند. خیلی از مردها هم هستند که زنهاشان را بهشتی می‌کنند. عکس آن هم هست. اگر زن و شوهر این کانون خانوادگی را قدر بدانند و برای آن اهمیت قائل باشند، زندگی، امن و آسوده خواهد شد و کمال

برای خودش یک حیثیتی پیدا بکند و اینکه دشمن اسلام بود و قبل از این هم که هجوم کند به ایران، با عراق آنطور معامله کرد و با علمای عراق آنطور معاملات کرد و با ملت عراق آنطور و با دسته جات برای عاشورا آنطور و برای زائرین کربلا، که برای اربعین می‌رفتند، آنطور جنایتکارانه عمل کرد. این در دنیا رسوا شد. و حالا هم هر چه می‌خواهد سالوسی کند و نماز بخواند و اظهار اسلامیت بکند و امثال ذلک، دیگر فایده ندارد. این دیگر نمی‌تواند با سالوسی، خودش را جا بیندازد. نمی‌توانست، لکن شاید بعضیها – آنها یی که خارج بودند از عراق باورشان می‌آمد که این یک آدمی است که می‌خواهد خدمتی بکند و کذا و این حرفها. حالا معلوم شد که نه، همه فهمیدند که این آدم اینطوری است، وضعش اینطوری است. معلوم شد یک آدمی است که عرب نمی‌خواهد کار بکند. این خوزستان عربها را غالباً کشتند. اگر ایشان با عرب موافق است، چطور عرب کشی می‌کند؟

نمی‌دانند که ایشان که حالا هم می‌خواهد نماز بخواند و در مسجد برود، کی را می‌خواهد بازی بدهد. ملت عراق را می‌خواهد بازی بدهد. ماهارا هم می‌خواهد بازی بدهد. ماها هم ماهیتش را می‌شناسیم. کسانی که آن ور دنیا هستند، در امریکا و اروپا هستند، اگر بعضی اشخاص پیدا بشوند نشناشند این را، ممکن است. اما آنجاها یی که ایشان هستند مثل بغداد و – عرض بکنم که عراق، مردم ایشان را می‌شناسند. مردم سالهای دراز با این حزب بعث زندگی کردند و از این حزب بعث، اینها صدمه‌ها دیدند. این آدمی که حالا دارد می‌گوید من مسلمان هستم و ما در مقابل کفار داریم جنگ می‌کنیم، این آدم همان آدمی است که برای اربعین، وقتی که زوّار حضرت سیدالشهداء حرکت کردند، آنها را به توپ و تفنگ بستند و آنقدر جنایت کردند. دیگر ملت عراق با اینکه این جنایات را از شما دیده، باور می‌کند که شما یک آدم دینی باشید؟ ... باز معلوم شد به اینکه این عروسک چه عروسکی است که هر جوری می‌خواهند حرکتش می‌دهند، هر روزی حرکتش می‌دهند، به یک جور حرکت می‌دهند. این هم باز معلوم شد و بسیاری از چیزهای دیگر در این جنگ معلوم شد.

روسیاهی دشمن در اثر جنگ
از جنگ خسته نشوند مردم. جنگ یک چیز خوبی است. البته ما پیشقدم نیستیم. برای جنگ ما پیشقدم نیستیم، لکن حالا که به ما تحمیل شده است، این یک آثار بزرگی دارد برای نهضت ما. یکی از آثارش این است که دشمن ما را رو سیاه کرد در دنیا. این می‌خواست که

معراج

شہادت مرد محب انت



جاده مانده است و من و این سر باقی مانده
رمقی نیست در این پیکر باقی مانده

نخل ها بی سر و شط از گل و باران خالی
هیچ کس نیست در این سنگر باقی مانده

توئی آن آتش سوزنده بی خاموش شده
منم این سردی خاکستر باقی مانده

گرچه دست و دل و چشمم همه آوار
شده است

باز شرمنده ام از این سر باقی مانده

روزو شب گرم عزاداری شب بوهاییم
من و این باغچه بی پرپر باقی مانده

شعر طولانی فریاد تو کوتاه شده است
در همین اسب و همین خنجر باقی مانده

پیش کش باد به یک رنگی ات ای پاک
ترین

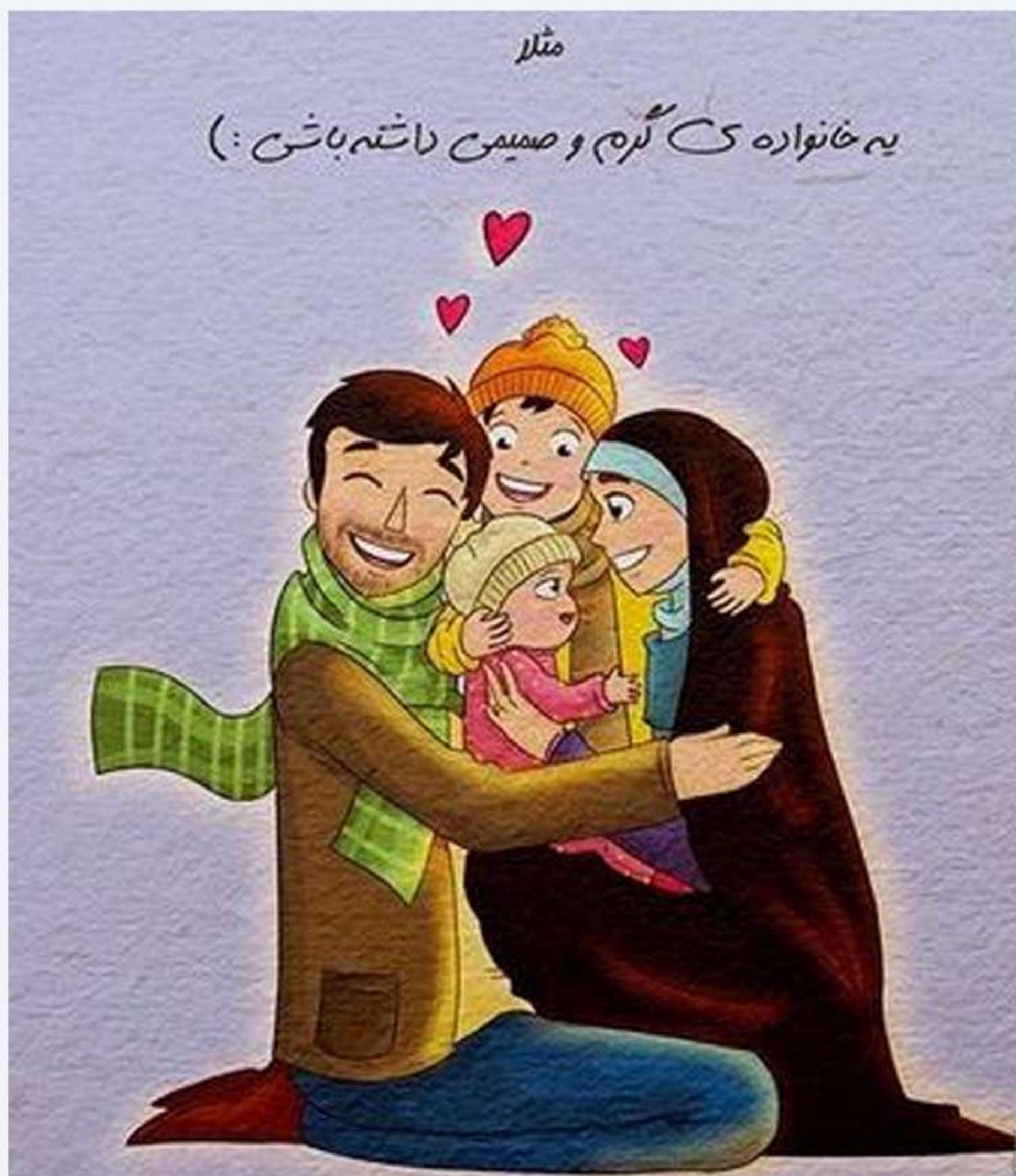
آخرین بیت در این دفتر باقی مانده

تا ابد مردم ترین باش و علمدار بمان
با توام ای بیل نام آور باقی مانده

تحصیل علم، تحصیل کمال، پرهیزگاری،
تقوی و ساده زیستی کمک کنید.

همدیگر را خوشبخت کنید!

خیلی از زنها هستند که شوهر خودشان را
بهشتی می کنند. خیلی از مردها هستند
که همسر خود را حقیقتاً سعادتمند می
کنند. موارد عکس این هم هست. ممکن
است مردهای خوبی باشند، زنها یشان آنها
را اهل جهنّم کنند و زنها خوبی باشند که
مردهایشان آنها را اهل جهنّم کنند. اگر
چنانچه زن و مرد هر دو توجه داشته
باشند، با توصیه های خوب، با همکاری های
خوب، با مطرح کردن دین و اخلاق در
محیط خانه - آن هم بیشتر از مطرح کردن
زبانی، مطرح کردن عملی - این طور
یکدیگر را کمک می کنند. آن وقت زندگی
کامل و حقیقتاً وافی و شافی خواهد شد.
انسان با راهنمایی و دلسوزی و تذکر بجا، با
مانع شدن از زیاده رویها و بعضی کج
رفتاری های همسرش، می تواند او را اهل
بهشت کند. البته عکس آن هم هست. با
افزون طلبیها، با توقعات و با روش های
غلطی که وجود دارد، می تواند همسر خود
را جهنّمی کند



بشری برای زن و شوهر در سایه ای ازدواج
خوب ممکن خواهد شد.

گاهی هست که مرد در فعالیتهای زندگی
سردو راهی می رسد. انتخاب باید بکند یا
دنیا را و یا راه صحیح و امانت و صداقت
را، یکی از این دو تا را باید انتخاب کند؛
این جاست که زن می تواند او را به راه اول
یا به راه دوم بکشاند. متقابلاً، طرف عکس
آن هم هست. شوهرها هم در مورد
همسرانشان می توانند این طور تأثیرات
را داشته باشند. سعی کنید باهم این طور
باشید. هر دو کوشش کنید که متدين، در
راه خدا، در راه اسلام، در راه حقیقت، در
راه امانت و صداقت، نگهدارید و مانع از
انحراف و لغزش شوید.

در دوران بسیار دشوار سالهای مبارزات و
همچنین سالهای انقلاب، خیلی از زنها
شوهران خود را با صبر و همکاری شان
بهشتی کردند. مردها رفتن در جبهه های
گوناگون و خطرات را متحمل شدند. این
زنها در خانه ها لرزیدند و دچار تنها یی و
غربت گشتند. اما زبان به شکوه باز
نگردند، شوهرها یشان از رفتن به جبهه و
از ورود در میدان مبارزه، از ادامه مبارزه
پشیمان شوند. می توانستند این طوری
عمل کنند ولی نکردند. بی صبری نشان
ندادند. شوهرانی هم بودند که
همسرانشان را بهشتی کردند، هدایت
آنها، دستگیری و کمک آنها موجب شد
که این زنها بتوانند در راه خدا حرکت
کنند. عکس آن را هم داشته ایم. زنها یی
بوده اند که شوهران خود را اهل جهنّم
کرده اند و مردهایی هم بوده اند که زنها
خود را جهنّمی کرده اند. می توانید با هم
همکاری کنید، همدیگر را سعادتمند
بهشت کنید، همدیگر را در راه
کنید، همدیگر را در راه



باغ خاطره

اهمیت نماز

سردار شهید ناصر ذیغمی

هوای پیماهای عراقی هر چند ساعت یک بار می آمدند و پادگان ابوذر را بمباران می کردند. خیلی از بچه ها شهید شده بودند. تعداد زیادی مجروح هم زیر خاک و آوارها بودند. کسی نمی توانست کمکشان کند. ما که سالم بودیم توی آن خاک و خون گیر افتاده بودیم نه راه پیش داشتیم نه راه پس. دور تا دور پادگان سیم خاردار و مواعظ بود که نمی توانستیم از روی آنها رد بشویم. ناچار منتظر نیروهای کمکی شدیم. دوباره که سر و کله ی هوای پیماهای عراقی پیدا شد؛ شروع کردیم به گفتن شهادتین. عراقی ها بمب هایشان را ریختند و رفتند. پادگان شده بود صحرای محشر! خون زیر پاهایمان راه گرفته بود. یکی فریاد می کشید، آن یکی کمک می خواست. صدای ناله ی بچه ها دلمان را ریش ریش می کرد. ذیغمی زیر پلهای جایی برایمان پیدا کرد و گفت: «بچه ها! بیایید نماز بخوانیم. اذان ظهر است.» بعد خودش اذان و اقامه را گفت و به جماعت نماز خواندیم. بعد از نماز گفت: «حالا بهتر شد. شهید نماز خوانده قربش بیشتر است.

حروف های شهیدانه

نام: امیر	نام خانوادگی: رستمی
نام پدر: کاظم	محل تولد: همدان
تاریخ تولد: ۴۲/۱۲/۳	تحصیلات: دیپلم
محل شهادت: فاو	تاریخ شهادت: ۶۵/۲/۹
سن: ۲۳	

در طول عمرم روز خوشی ندیدم که برایم خاطره‌ی خوشی باشد ولی به محض ورودم به بسیج و سپاه، چرخ فلک به روی خواسته‌های من چرخید! انسان می‌تواند استعدادهای خود را شکوفا کند. اگر شخصیت او خرد شود استعدادهایش نهفته می‌ماند. و انسانی گوشه گیر و سربار جامعه می‌گردد. این حقیقت را نباید کتمان کرد که اگر محیط برای انسان سازگار باشد می‌تواند به آینده مملکت خویش خدمات بی‌شماری کند و گرنه جناحتکار و فسادگری بیش نمی‌شود! متأسفانه است محیط زندگی ما با سلطنت خوکامه‌ی پهلوی به فساد و تباہی کشیده شده بود. جوانان در دریای فساد غرق شده بودند و کسی نبود که آن‌ها رانجات دهد.

آری عزیزانم! اسلام بود که ما را از دنیای گمراهی بیرون کشید. خدا را شکر که بر ما منت نهاد و ملت ما را به صراط مستقیم هدایت کرد. اکنون که جوانان مملکت در سرما و گرما در جنوب و غرب کشورمان میان کانالهای پر از آب یا قیر داغ و میادین میین و گازهای شیمیایی شهید می‌شوند، عده‌ای می‌خواهند انقلاب ضربه بزنند؛ چه فکر باطلی! این ملت هیچ‌گاه نخواهد گذاشت خون جوانان حزب



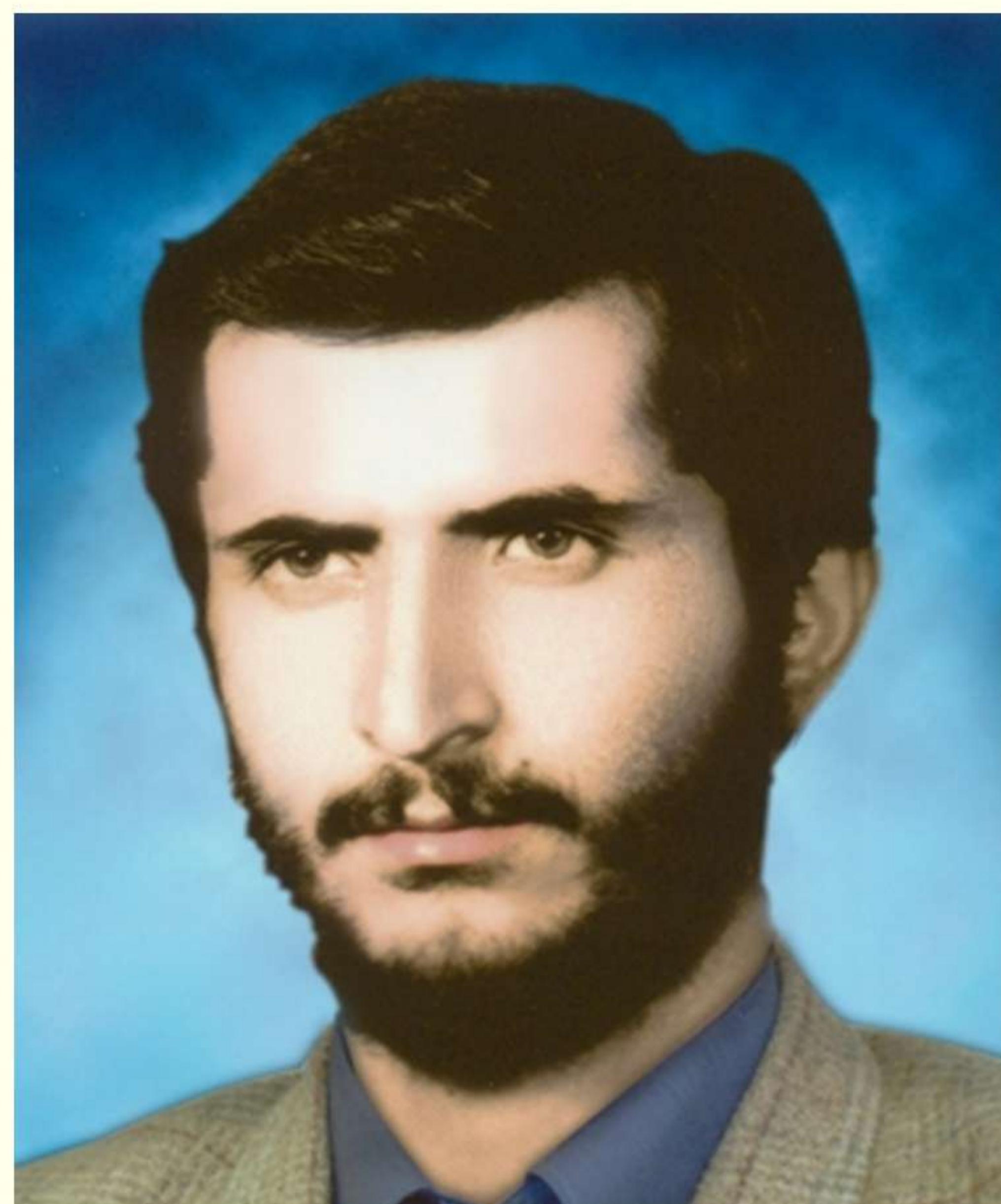
و بهار آمد؛ اما نه خودش رفت کاپشن اش را بگیرد نه گذاشت ما پادرمیانی کنیم و آن را پس بگیریم. چند سال بعد، یاد آن خاطره افتادم، گفتم: «راستی حسین چرا آن سال پا پیش نگذاشتی کاپشن ات را بگیری؟» داشت زیر لب ذکر می‌گفت. اول سکوت کرد و بعد آرام گفت: «کاپشن خیلی قشنگ بود من هم خیلی دوست اش داشتم. خواستم ببینم می‌توانم پا روی دلم بگذارم. در ثانی می‌دانستم آن پسری که کاپشن را برداشته هم همان حس مرا به کاپشن دارد. همان لحظه‌ی اول از ته دل حلالش کردم تا روز قیامت به خاطر کاپشن من مواخده نشود. خدا کند به راه راست هدایت شده باشد. یکی از بچه‌ها دیدیم. گفتیم: «حسین بدو کاپشن ات پیدا شده.» گفت: «از کجا معلوم است کاپشن من باشد؟» گفتیم: «د خودش است دیگر. بین چقدر نو است. به جان خودمان کاپشن توست.» گفت: «هر گردی که گردو نیست!» زمستان تمام شد

سنگر بیرون زدیم. نیروهای عراقی مأموریت گشتی رزمی داشتند.

با آن‌ها درگیر شدیم و توانستیم وادار به فرارشان کنیم.

نیمه شب بود که برگشتم به سنگر. همان رزمنده ایستاده بود وسط سنگ و حمایلش را از سرش می‌انداخت و از پایین پایش می‌افتداد. چنان با خودش و حمایلش درگیر بود که متوجه رفت و برگشتن مانشد.

راوی



سردار شهید حسین خادم پر

درسش خوب بود. پدرش یک کاپشن قشنگ و گران قیمت برایش خرید. یک روز زنگ آخر کاپشن را در دبیرستان جا گذاشت. فردا که به مدرسه رفتیم، دیدیم کاپشن نیست. یک هفته بعد، کاپشن را تن

لبخند بزن رزمنده

درگیری با حمایل

خوابیده بودیم توی سنگر اجتماعی که برادر نگهبانی آمد و گفت: «عراقي‌ها حمله کرده اند بیدار شوید!» همه‌ی بچه‌ها به سرعت حاضر شدند. یکی از بچه‌ها که از همه کم سن و سال تر بود، با دست پاچگی می‌خواست حمایل ژ ۳ را دور کمرش ببندد، نمی‌توانست. حمایل را از سرش می‌انداخت و از پایین پایش می‌افتداد. ما نگاه می‌کردیم و می‌خندیدیم. چند بار این کار را تکرار کرد، اما نتوانست حمایلش را ببندد. ما با خنده از

ترکش ولگرد

خبر گل پنبه

نیمه‌های شب بود، بچه‌ها رفتند پتو بیاورند تا بخوابند. یک دفعه سروکله‌ی «امیر مسعود محمدزاده» پیدا شد. می‌خندید، چه خنده‌ای! از خنده داشت غش می‌کرد. خم و راست می‌شد و به بیرون اشاره می‌کرد و لابه‌لای حرف هایش می‌شنیدم که می‌گفت: «لطفى... لطفى... افتاد.» از چادر زدیم بیرون. امیر مسعود را که هم‌چنان می‌خندید انداختیم جلو. او می‌خندید و تلوتلو خوران جلو می‌رفت. جلوی چاله‌ی توالت صحرایی ایستاد. بیچاره لطفی با چند تا پتو افتاده بود توی چاله و دست و پا می‌زد تا بیرون بیاید. به محمدزاده نگاه کردیم و با غیظ گفتیم: «بی خیر! به جای خنده کمکش می‌کردی. آمده‌ای خبر گل پنبه برایمان آورده‌ای!» با چه بدختی لطفی را از چاله کشیدیم بالا و از منبع‌ها آب آوردیم و شستیم و تمیزش کردیم. برگشتم توی چادر. لطفی دید پتو ندارد. گفت: «می‌روم پتو بیاورم.» خنده‌دیم و گفتیم: «این دفعه خیلی مواظب باش.»

چند دقیقه بعد صدایی را از بیرون شنیدیم یک نفر داشت می‌خندید و فریاد می‌زد: «ل... لطفی... رف... افتاد... تو چاله...» این بار به جای این که هراسان بشویم از خنده ریسه رفتیم. وقتی رسیدیم بالای سر لطفی دیدیم توی فاضلاب دست و پا می‌زند و با عصبانیت می‌گوید: «چرا روی این چاله بی‌کردار را نمی‌پوشانید. چرا علامت نمی‌گذارید، بی خیرها!!»



یادگرد

خاطرات سردار محمد جعفر مظاہری به مناسبت سالگرد عملیات رمضان و بمباران استادیوم قدس همدان

آری آنان که در سال های جنگ و شهادت، جانانه در مقابل دشمن ایستادند، امروز کوله باری از خاطرات تلخ و شیرین به همراه دارند که هر کدام از آن ها، درس بزرگی از استقامت و آزادگی است.

عملیات رمضان عملیات تهاجمی گسترده نیروهای مسلح ایران، در خلال جنگ ایران و عراق بود، که به مدت ۱۷ روز، در تابستان ۱۳۶۱ در جنوب عراق، شمال شرقی شهر بصره و در منطقه شلمچه انجام شد. این عملیات در ۵ مرحله، به طور مشترک توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به فرماندهی محسن رضایی و نیروی زمینی ارتش به فرماندهی علی صیاد شیرازی، طراحی و اجرا گردید. عملیات رمضان ۴۵ روز پس از آزادسازی خرمشهر انجام گرفت و در این عملیات نیروهای ایرانی برای نخستین بار اقدام به ورود به خاک عراق نمودند و سه گردان از همدان در تیپ ثارالله به فرماندهی سردار سلیمانی ۲۳ تیر ۶۱ در عملیات رمضان شرکت کردند که بسیاری از فرزندان همدان به درجه رفیع شهادت نائل آمدند.

به مناسبت گرامیداشت یاد شهدای عملیات رمضان و شهدای بمباران استادیوم قدس همدان جان دل می سپاریم به خاطرات سردار محمد جعفر مظاہری فرمانده گردان احتیاط، یکی

عملیات داد و متاسفانه ما هم در این عملیات علیرضا حاج بابایی و حبیب مظاہری را هم از دست دادیم.

شهید قاسم سلیمانی ده تویوتا به منطقه جهت برگرداندن رزمندگان به منطقه اعزام کرد که بچه ها به عقب برگردند که به زور توانستیم دو تا و نصفی از تویوتاها را به عقب برگردانیم هیچ کس حاضر نمیشد به عقب برگردد.

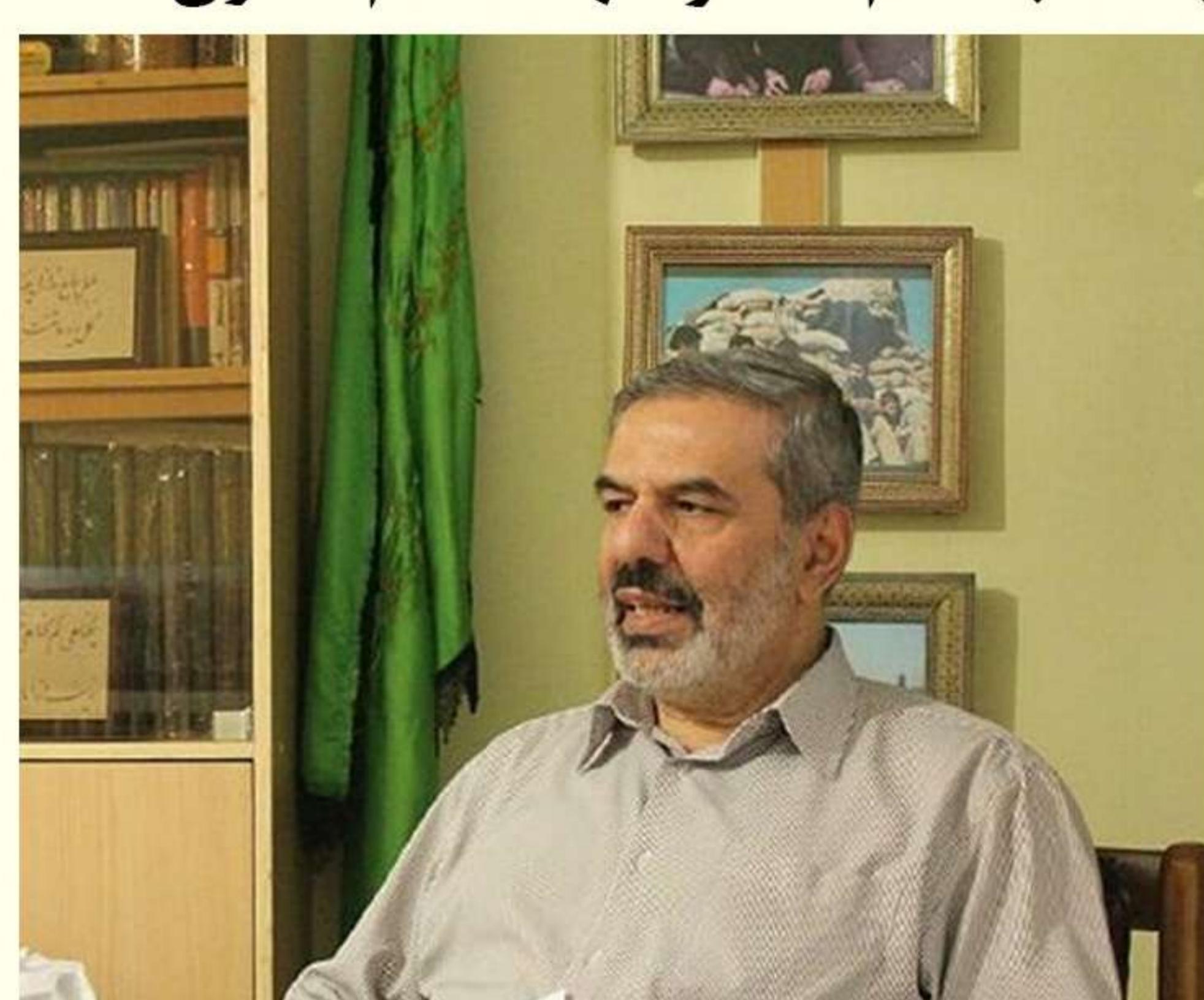
در جایی که خاکریز زده بودیم محل برخورد خاکریز با دژ دشمن بود که در واقع نقطه حساسی بود که هر کسی می رفت یا شهید می شد یا مجروح. به طوری که از چند طرف به این خاکریز دشمن حمله میکرد یک لحظه دیدم که خط در حال خالی شدن است و تردد کم شده که متوجه شدم بیشتر از بیست نفر پشت سر هم داخل خاکریز نشسته اند و به نوبت پیشروی میکنند و در حالی که میدانستند اینجا دیگر جای برگشتی وجود ندارد و شجاعانه پشت سر هم پیشروی می کردند و به دشمن حمله میکردند و به نوبت شهید می شدند و در اینجا بود که رزمندگان ما با رشادت خودشان معنی واقعی ایثار را تجلی بخشیدند.

در عملیات رمضان رزمnde ای به نام آقای زارعی بود که چند سالی از ما بزرگتر بود و آرپیجی زن بود از بس آرپیجی زده بود گوشهاش کر شده بود و خون از گوشهاش جاری شده بود و صدای کسی را نمیشنید جلو رفتم و آقای زارعی را گرفتم و گفتم باید برگردی عقب گوشهاست خونریزی کرده، در آن لحظه نگاهی به من کرد و گفت: هر وقت خودت رفتی عقب من هم میروم.

بیست روز بعد از عملیات رمضان، عملیات ثارالله را در قصر شیرین داشتیم در این عملیات زمانی که شهدا را به پشت جبهه

با زمانده از عملیات رمضان که چقدر عاشقانه خاطرات آن روزها را بازگو میکند.

سردار مظاہری: بهای سنگینی که در شب اول عملیات رمضان دادیم شهادت شهید علیرضا حاج بابایی بود زمانی که آخرین گردان همدان روز چهارم وارد جنگ شد، حبیب مظاہری را دیدم که گفت؛ علیرضا شهید شد ما آن شب با سردار قاسم سلیمانی صحبت داشتیم که قرار شد در دژ عراقیها نفوذ کنیم و راه را باز کنیم و ما عملیات رو شروع کردیم علیرغم سختی ها و تجربه جنگی نداشتیم قریب دو ساعت سه کیلومتر به سمت شمال پیشروی کردیم که با آتش سنگین دشمن مواجه شدیم و اعلام کردیم که امکان پیشروی نیست ولی نیاز به خاکریز عمودی داریم که درخواست لودر کردیم، که کمتر از نیم ساعت سه دستگاه لودر وارد منطقه شد که صد متر توانستیم خاکریز بزنیم که این خاکریز ماندگار شد که بعدها به اسم سنگر شهادت نام گذاری شد.



اتفاقی که آن شب در عملیات رمضان افتاد این بود که ما یک گردان بودیم تعدادی مجروح و در واقع یک گردان منفی در مقابل دشمن که دو لشگر زرهی و مکانیزه بود مقاومت می کردیم و دشمن تلاش میکرد که خاکریز یا همان سنگر شهادت را از ما بگیرد و ما با تمام قدرت مقاومت می کردیم که این خاکریز به دست دشمن نیفتند و ضربه مهلهکی به ماشین ها و ادوات جنگی صدام وارد کردیم و دشمن تلفات زیادی در این

کوله پشتی

دیروز از هر چه بود گذشتم و امروز از
هر چه بودیم گذشتم

آنجا پشت خاکریز بودیم و اینجا در
پناه میز...

دیروز دنبال گمنامی بودیم و امروز
تلاش می کنیم ناممان گم نشود

جبهه بُوی ایمان میداد و اینجا
ایمانمان بُومی دهد

آنجاروی درب اطاقمان می نوشتیم : یا
حسین فرماندهی از آن توتُت، اینجا
می نویسیم بدون هماهنگی وارد
نشوید

لبخند زد و گفت: پدر مادرم بانی اتصال
من به زمین و دنیا بودند و الان بعد
شهادت پدر و مادرم دیگه تعلقی به این
دنیا ندارم و آماده پرواز هستم و به شدت
تمام با تیر بار به سمت دشمن حمله
میکرد، بعد از یک ساعت رفتم سراغش
که سنگرش خالی بود و شهید شده بود و
بچه ها پیکرش را به عقب منتقل کردند.
گفتني است، ارتش بعث عراق در ۲۵ تیر
۱۳۶۱ و در آخرین جمعه ماه مبارک
رمضان و روز قدس، دو روز پس از
عملیات رمضان، به تلافی شکست هایش
در مرزهای زمینی، محل برگزاری نماز
جمعه همدان در استادیوم ورزشی
شهداي قدس این شهر را بمباران کرد و
دها نفر از نمازگزاران را به شهادت
رساند.

منتقل میکردند یکی را شناختم که
همان آقای زارعی بود که در این
عملیات نیز آرپیجی زن بود که شهید
شده بود و لبخند رضایتی به چهره
داشت که بوسه ای از پیشانی اش
کردم.

در عملیات رمضان روز ۲۵ تیرماه بود
که همچنان با دو لشگر تا دندان
مسلح دشمن و در مقابل چند گردان
و صدها تانک و خمپاره انداز در حال
ایستادگی بودیم و از پیش روی دشمن
و پس گرفتن خاکریز جلوگیری می
کردیم و این در حالی که بود که
دشمن نیز ضربه مهلكی از سوی
رزمندگان ما خورده بود، که به ما خبر
دادند که سه نقطه از همدان از جمله
استادیوم (آزادی) که بعداً قدس
نامگذاری شد، را بمباران کردند.
یادش بخیر این خبر را آقای صمیمی
به ما داد که خطاب به ایشان گفت
معلوم است که بمباران میکنند
چون شما اینجا مردانه ایستاده اید و
آنها از ترس خودشان به شهر حمله
کردند چون دشمن متوجه رشادتهای
بچه های همدان شده بود و به تلافی
حماسه آفرینی رزمندگان همدان
استادیوم آزادی (قدس) همدان را
bumbaran کردند.

یادم است در همین عملیات زمانی که
خبر بمباران استادیوم قدس را به ما
دادند که یک جوان همدانی که پشت
تیر بار در حال مبارزه بود، خبر
شهادت پدر و مادرش را در بمباران
استادیوم قدس را به او دادند در حالی
که اشک از چشمانتش جاری بود



دیدبان

**نکند مکر بنی ساعده تکرار شود
که علی در قفس خانه گرفتار شود!**
مرحوم محمدرضا آقاسی
 در غدیر خم، بیش از ۱۰۰ هزار
 نفر که از امروز ما، خیلی حزب
 الله‌ی تربودند و مستقیم و نه با
 وایبر و تلگرام و واتساب، پیامبر
 را می‌دیدند و درک می‌کردند، شاهد
 بودند که حضرت محمد (ص) دست
 حضرت علی (ع) را گرفت، بالا برد و
 فرمود:

"من کنت مولاه، فهذا علی مولاه"
 هر آنکس من مولای اویم، این علی
 مولای اوست
 هنوز کفن پیامبر خشک نشده بود که
 در خانه ای مجلل و بزرگ در سقیفه،
 در دامنه کوهستان خوش آب و هوای
 شمال شهر، آنان که مثلاً یار غار و خانه
 زاد پیامبر بودند و مردم آنان را به
 اصحاب و یاران رسول خدا می
 شناختند (و نه حتی در انتخابات
 عمومی برگزیده شده بودند) جلسه
 ویژه برگزار کردند و بدون توجه به امر
 ولایت، برای ریاست بر مسلمانان
 تصمیم گرفتند.

در لیستی که در دست داشتند، نام
 چند نفر به چشم می‌خورد.
 ملاک، قدرت بود؛ و توجیه، نزدیکی به
 پیامبر و در خانه اش مدام حاضر بودن
 و ذکر خاطرات خاص و اختصاصی!
 عکس دو نفره با پیامبر اولویت ویژه
 داشت!

در تاریکی شب، مردی افسار اسب در
 دست که زنی بر آن نشسته بود،
 فرزندان را همراه داشت و غریبانه در
 کوچه‌ها می‌گشت.
 برخی با خانواده در کیش تعطیلات

فلانی در تلاش معاش برای تامین مخارج
 تحصیل فرزندانش در فرنگ بود!

آن بی ریشه، مراعات فرزندش را داشت
 که در بلاد شیطان بزرگ، سایتهاي
 اینترنتي و کانالهای تلگرامي را علیه
 نظام کوک می کرد! هرچه باشد
 استخوانهای نُنِرِبابا، با پول بیت المال
 قوام یافته بود!

آن دیگری منتظر اذان بود تا نماز اول
 وقتی فوت نشود!
 به قول سینمايی ها: کات!

روز-خارجی-کوچه بنی هاشم
 از دور دست صدای "الله اکبر" به گوش
 می‌رسد.

پرچمهای سیاه داعش در دست و مشکی
 پوش، خنجر در دست، وحشیانه وارد
 کوچه می‌شوند.

ریسمان گردن کسی انداخته اند و در
 خیابان می‌کشند.

کسی لباس نارنجی در دست آورده تا بر
 تن او کند، با صدای بلند می‌گوید:
 - حالا تو واسه ما مدعی شدی؟ یادت
 رفته من کی هستم؟ سردار پیامبر در
 جنگ احمد.

و آن دیگری پرچم مشکی را به رخ
 کشید و با تمخر نهیب زد:
 - کوچولو، اون روز که ما در بدر می

جنگیدیم امثال تو کجا بودید؟
 دیگری جامه می‌درد و چاک چاک
 شمشیر بر اندام خویش را می‌نمایاند و
 هوار می‌کشد:

- این زخمها را که بر بدنم می‌بینی،
 یادگار نبرد خیبر است.

و باز یکی دیگر قد علم می‌کند:
 - این عبا که می‌بینی بر دوش دارم،
 خود پیامبر به پاس حماسه آفرینی‌هایم
 در انقلاب بر شانه ام انداخت، حالا تو
 مسلمان تری یا من؟!

آخر هفته می‌گذراندند.
 همانان که هنگام نبرد تن با تانک در فکه،
 آغازده‌هایشان در دیزین اسکی بازی می‌
 کردند.

عده‌ای نیز در سوئیس، کانادا و بریتانیا
 کبیر! به دنبال کسب علم برای آینده نظام
 اسلامی بودند! مگر نه این که فردای نظام،
 وزیر و وکیل فرنگ رفته و متخصص لازم
 داشت!

درب خانه‌های چندهزار متری ۴۰ نفر از
 سرداران پیامبر در شهرک‌های شمال
 شهر به صدا درآمد.

اهل بدر و خیبر، شلمچه و فکه و مجنون،
 مهاجرین و اهل سابقه دیدند که پشت در
 حضرت علی (ع) است.

- ای وای علی، این که بر اسب نشاندی
 فاطمه است؟ حسن و حسین اینجا چه
 می‌کنند؟!



علی اما، به آنان یادآوری کرد که پیامبر
 خدا فرموده بود:
 "اگر اینان با تو همراه شدند، قیام
 کن، و گرنه..."
 فردا صبح و روزهای بعد، برخلاف قول و
 وعده چهل نفره، بجز چندبسیجی زخمی،
 هیچ کس نیامد.

آن یکی رفته بود از لشکرش سان ببیندا!
 دیگری دکتر بود، رفته بود دانشگاه
 تدریس کند!
 بعدی ملا بود، آموزش قرآن به کودکان را
 واجبتر می‌شمرد!



شده‌اند و ۴۹٪ آن‌ها به خشونت کلامی روی آورده‌اند!

*بررسی ارتباطات افراد زیر ۱۷ سال استفاده کننده از اینترنت کثیف آمریکایی نشان می‌دهد که به ۵۰٪ آنان پیشنهاد نمایش رفتار جنسی و ارسال عکس و فیلم غیراخلاقی از خودشان داده می‌شود!

*بررسی‌های انجام شده بر روی کاربران اینترنت کثیف آمریکایی در ۱۵۰ کشور جهان نشان می‌دهد ۷۱٪ نوجوانان استفاده کننده از اینترنت به دور چشم والدین خود به سراغ رفتار جنسی می‌روند! بلوغ زودرس یکی از آسیب‌های جدی و غیرقابل جبران استفاده از اینترنت کثیف آمریکایی توسط نوجوانان است...

۹۰٪ پسران و ۶۰٪ دختران زیر ۱۸ سال استفاده کننده از اینترنت کثیف آمریکایی حتماً عکس و فیلم غیراخلاقی (پورن) دیده‌اند... طبق اعلام وزارت ارتباطات، بیش از ۱۲ میلیون نفر از استفاده کنندگان اینترنت در ایران زیر ۱۸ سال سن دارند!

۸۳٪ پسران و ۵۷٪ دختران استفاده کننده از اینترنت کثیف آمریکایی تجربه مشاهده سکس گروهی آنلاین را داشته اند! به جهت فرآگیری محتوای غیراخلاقی در اینترنت، کاربران خواسته یا ناخواسته در معرض اینگونه محتواها قرار می‌گیرند

سنگر

چرا می‌گوییم اینترنت کثیف آمریکایی؟

*هر سال بیش از ۴۲۰ میلیون فیلم، عکس و متن غیراخلاقی جنسی به اینترنت کثیف آمریکایی اضافه می‌شود.

*بیش از ۱۲٪ سایت‌های جهان تمام مطالب شان در بالاترین سطح غیراخلاقی جنسی (پورن) است. اغلب این سایت‌ها در اینترنت کثیف آمریکایی برای ایرانیان رایگان عرضه می‌شوند؛ در حالی که آمریکایی‌ها برای دیدن آن‌ها با محدودیت هایی روبرو هستند و باید هزینه‌های سنگینی‌بپردازنند.

*۸۹٪ رابطه‌های چتی، جنسی و غیراخلاقی است... ساختار اینترنت کثیف آمریکایی به نحوی است که افراد در زمان چت گمان می‌کنند ارتباطات‌شان مخفی می‌ماند، در نتیجه غالباً با تبادل متن و عکس، روابط‌شان تبدیل به یک رابطه جنسی مجازی می‌شود که انواع تنوع طبی جنسی و احساسی را به دنبال دارد...

نتایج بررسی‌های انجام شده روی کاربران اینترنت کثیف آمریکایی در ۱۵۰ کشور جهان نشان می‌دهد ۵۱٪ پسران و ۳۲٪ دختران برای اولین‌بار قبل از سال‌های نوجوانی (۱۲ سال و کمتر) در اینترنت فیلم غیراخلاقی جنسی دیده‌اند!

*در بسیاری از کشورهای جهان، استفاده از اینترنت کثیف آمریکایی برای افراد زیر ۱۸ سال ممنوع است. در خود آمریکا برای زیر ۱۳ سال ممنوع است.

*۸۸٪ از کسانی که فیلم‌های غیراخلاقی جنسی دیده‌اند دچار خشونت رفتاری

- آن روز که من در غار بادیگارد پیامبر بودم و شخصاً از جان او حفاظت کردم، هیچ‌کدام شما نبودید!

آن که ریسمان بر گردن مظلوم انداخته و می‌کشد، عربده می‌زند:

- حالا تو مدعی ولایت شده‌ای؟ تو به او نزدیکتری یا اینها؟ مگر خاطراتشان را نشنیده و نخوانده‌ای؟

همه‌مه‌ای به گوش می‌رسد. صدای صلووات پشت سر هم می‌آید.

چند نفر مقابل دری چوبی جمع شده اند. کسی قربت الی الله مشعل را به در خانه نزدیک می‌کند. آتش زبانه می‌کشد.

چهار بسیجی جلو رفته و سینه سپر کرده‌اند که پس زده می‌شوند.

یکصد هزار نفر، گوشی اپل در دست، مشغول فیلمبرداری هستند. همه در گذاشتن استوری از هم سبقت می‌گیرند.

بعضی‌ها مشغول انداختن سلفی هستند:

"کوچه بنی هاشم، من و مظلوم یهودی!" هر کدام سعی می‌کنند نزدیکتر از چهره مردی که بر زمین افتاده عکس بگیرد.

کسی فریاد می‌زند:

- زنگ بزنید آتش نشانی.

- زنگ بزنید اورژانس.

- یکی زنگ بزنه ... ۱۱۰ ... ۱۱۰ ...

کمی آن سوت در کوچه پشتی، هیئت متولسلین به اهل بیت (ع) برقرار است! کم از صدهزار نفر ندارند، بر سر و سینه می‌کوبند: علی جان ... زهرا جان ... و ناله زنی، با صدایی گرفته، بر شهر

غمزده طنین انداز می‌شود:

- بابا ... پیامبر ... علی ...



ادامه راه شهدا

دبالهی این مسیر که به گمان زیاد،
به دشواری‌گذشته‌ها نیست، باید
با همت و هشیاری و سرعت عمل
و ابتکار شما جوانان طی شود.

عُصَمَ

و سایر نقاط مرزی حساس مریوان از
لوث ضد انقلابیون.

.....
۱۳۵۹/۶/۳۰ : حرکت ستون زرهی و
مکانیزه رزمندگان تیپ سوم زرهی
شهید قهرمان به سوی منطقه جنوب
در میان بدرقه باشکوه مردم استان
همدان و استقرار در منطقه دزفول.

.....
۱۳۵۹/۶/۳۱ : آغاز رسمی جنگ و
تجاوز علی رژیم بعضی عراق علیه
جمهوری اسلامی ایران و بمباران
فرودگاه و پایگاه شهید نوژه همدان و
بمباران ناموفق ایستگاه ماهواره اسد
آباد در اولین ساعت شروع جنگ.

.....
۱۳۶۰/۶/۱۰ : رزمندگان تیپ سوم
زرهی شهید قهرمان در یک عملیات
حماسی، در قالب گردان های ۲۲۴ و
۲۲۷ و ۱۲۴ در محور رودخانه کرخه نور
بر موضع دشمن یورش برده و با ادامه
پیشروی، خود را به کرانه رودخانه
رساندند.

پیک

روزشمار پایداری (شهریور ماه)

۱۳۵۷/۶/۱۸ : برگزاری راهپیمایی باشکوه
مردم همدان علیه نظام ستمشاهی که
پس از کشتار بی رحمانه مردم انقلابی
تهران در حادثه هفدهم شهریور (میدان
ژاله) به وقوع پیوست و پس از آن هر روز
در تمامی استان تظاهرات مردم انقلابی به
صورت مستمر برقرار بود.

.....
۱۳۵۸/۶/۱ : عملیات آزاد سازی شهر
سقز توسط نیروهای سپاه استان و تیپ
سوم زرهی همدان که منجر به شهادت
ستوان یکم قهرمان دودانگه گردیده و
پس از آن به یادبود این شهید نام پادگان
تیپ سوم زرهی به پادگان شهید قهرمان
نامگذاری شد.

.....
۱۳۵۸/۶/۷ : نقش موثر نیروهای سپاه
همدان در شهر مریوان و برقراری امنیت
در ارتفاعات اطراف شهر و پادگان ارتش و
پاکسازی در اتفه، گاگله، الوجه و سردوش

و دچار آسیب‌های جدی روحی و روانی
می‌شوند و این‌گونه رفتارهای شنیع،
قبح‌شکنی می‌شود!

* ۶۸٪ طلاق‌های ثبت شده در ۱۵۰ کشور جهان به خاطر ارتباط یکی از طرفین با جنس مخالف از طریق اینترنت کشفی آمریکایی و شبکه‌های ضداجتماعی صهیونیستی بوده است! و ۵۶٪ طلاق گرفته‌ها در اینترنت فیلم‌های پورنوگرافی می‌دیده‌اند! تنوع طلبی عاطفی و جنسی، تردید و سردی در روابط زناشویی از جمله محصولات این اینترنت تحمیلی است...

کاربران اینترنت کشفی آمریکایی بعد از دیدن فیلم‌ها و تصاویر پورنوگرافی، به نسبت کسانی که در معرض این محتوا نبوده‌اند، ۲۱۸٪ بیشتر در فضای فیزیکی زنا کرده‌اند! آماده‌سازی و فضاسازی ذهنی کاربران، زمینه‌ساز این فاجعه اخلاقی است.

* بررسی کاربران اینترنت در ۱۵۰ کشور دنیا نشان می‌دهد: ۶۴٪ پسران و ۱۸٪ دختران استفاده کننده از اینترنت آمریکایی، هر هفته رابطه جنسی آنلاین دارند! و ۸۵٪ مردان و ۵۰٪ زنان بصورت هفتگی یا ماهانه در فضای مجازی تصاویر غیراخلاقی می‌بینند...

* در ۱۵۰ کشور دنیا، ۵۰٪ مردان و ۲۰٪ زنان استفاده کننده از اینترنت به دیدن عکس و فیلم و خواندن مطالب پورنوگرافی (بالاترین سطح غیراخلاقی) متعاده هستند.

* در آمریکا از پورنوگرافی در فضای مجازی سالانه بیش از ۱۳ میلیارد دلار (قریب به ۳۹۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان) است. دسترسی به سایتها پورنوگرافی در آمریکا بسیار گران و محدود است ولی در ایران رایگان و نامحدود!



سلام بر شهیدان گمنام، گمنام در میان خاییان و معروف در عرصه‌ی افلاکیان.

رهبر انقلاب اسلامی
۱۴۰۰/۰۶/۱۵



**رشید حسین خادم پر از فرماندهان لشگر
ویژه شهدا در این عملیات.**

۱۳۶۵/۶/۲۰ : عملیات انصار در پد غربی جزیره جنوبی خیبر توسط رزمندگان لشگر ۳۲ انصار الحسين (علیه السلام) به وقوع پیوست. در این عملیات نیروهای غواصی و گردان ۱۵۴ نقش آفرینی کرده، تلفات و خسارات فراوانی به دشمن وارد آورده‌اند. در این عملیات سردار رشید محسن امیدی، فرمانده گردان ۱۵۴ به شهادت رسید.

۱۳۶۶/۶/۱۶ : اعزام بزرگ نیروهای بسیجی استان همدان در قالب کاروان حماسه سازان عاشورا به جبهه.

رفاقت

پیشینه سازمان اسناد و مدارک دفاع مقدس به ستاد تبلیغات جبهه و جنگ بر می گردد در ستاد تبلیغات جنگ گردآوری و مستندسازی اسناد مرتبط با جنگ در ۲ بخش اسناد داخلی و خارجی و با بهره گیری از خبرگزاری‌ها - رسانه جمعی، اخبار و اطلاعات، بولتن‌ها و سازمان‌ها و نهادهای نیروهای مسلح شامل ارتش، سپاه، ناجا، جهاد سازندگی بنیاد شهید و سازمان‌های بین‌المللی از سال ۱۳۵۹ آغاز شد و تا پایان دفاع مقدس ادامه داشت و پس از آن بعنوان مرکز اسناد در معاونت تحقیقات بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس ماموریت جمع آوری، نگهداری و مستندسازی اسناد را بر عهده گرفته است.

اطلاعات تماس

روابط عمومی: (۰۲۱) ۲۶۴۰۳۰۴۰

دورنگار: (۰۲۱) ۲۶۴۰۳۰۰۵

آدرس: تهران، بزرگراه شهید حقانی شرق به غرب، ابتدای خیابان کوشک، ساختمان آرشیو ملی، طبقه همکف، سازمان اسناد و مدارک دفاع مقدس
ایمیل: info@defadocs.ir / https://defadocs.com

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مصطفی غفاری / مدیر اجرایی: امیر حسین منطقی /

طراح و صفحه بنده: نرگس طاوه‌ئی / زیر نظر هیات تحریریه / باتشکر از: اکرم رسولی،
سید بصیر مصطفوی. تلفکس: ۰۸۱۳۴۲۱۱۹ / سامانه پیامک: ۳۰۰۰۶۴۹۹۹۹۹۹۹۹۹ /

ایمیل: www.hamadankhabar.ir/fa / سایت دریافت و انتشار: modafean.h@gmail.com

۱۳۶۰/۶/۱۱ : عملیات شهیدان رجایی و باهنر در محور سرپل ذهاب به وقوع پیوست و در این عملیات گردان سپاه ناحیه همدان از سه محور جاده سرپل ذهاب تا رودخانه الوند، ارتفاعات قراویز و دشت سرپل ذهاب و بنه دستک وارد عمل شدند در این عملیات که با وجود گرمای طاقت فرسا و کمبود شدید مهمات و نیز عدم آتش پشتیبانی انجام شد تعداد ۵۹ نفر از نیروهای سپاه همدان از جمله سرداران رشید علیرضا خزایی و حسن مرادیان به شهادت رسیدند.

۱۳۶۰/۶/۱۴ : ترور آیت الله شهید قدوسی دادستان کل انقلاب در تهران.

۱۳۶۰/۶/۲۰ : شهادت حضرت آیت الله سید اسد الله مدنی سکاندار انقلاب در استان همدان به هنگام اقامه نماز جمعه در تبریز به دست منافقین کوردل.

۱۳۶۱/۶/۱ : تشکیل گردان مستقل کوهستانی انصار الحسين (علیه السلام) در پادگان ابوذر همدان و شروع آموزش های تخصصی و جذب نیرو در سطح استان همدان.

۱۳۶۱/۶/۲ : اعزام گسترده نیروهای بسیجی استان همدان به جبهه‌ها.

۱۳۶۴/۶/۱۸ : شرکت رزمندگان گردان ۱۵۲ در عملیات قادر، منطقه اشنویه در ارتفاعات کلاشین.

۱۳۶۵/۶/۱۰ : عملیات کربلای ۲ در منطقه پیرانشهر و نقش موثر نیروهای همدان در قالب گردان جند الله و شهادت سردار